یادداشتهای امیر خیزی

امیرخیزی، اسماعیل

در شب نهم رجب چند نفر ناشناس‏ مسلح وارد منزل مرحوم سیدعبد اله مجتهد شده و آن علمدار مشروطیت را بدرجه شهادت‏ میرسانند باز روز دوشنبه 25 رجب میرزا علی محمد خان تربیت و سیدعبد الرزاق خان‏ رئیس مخزن را که هر دو از آزادیخواهان‏ معروف بودند در خیابان لاله‏زار کشتند. دولت مستوفی درصدم آن برآمد که اسلحه‏ را از اشخاص غیرنظامی بقیمت عادلانه بخرد و دیگر آنان را اجازه حمل اسلحه ندهد در سر این مسئله جمعی از مجاهدین بپارک‏ اتابک آمدند که قضیه اسف‏انگیز پارک به‏ وقوع رسید و سردار با آنکه طرفدار جنگ‏ نبود و بسیار تلاش کرد که اسلحه را بقیمتی‏ که دولت معین کرده است تسلیم دارند حاضر نشدند و نگارنده هم در مدتی تا آنجا که‏ می‏توانست از بذل مجاهدت دریغ نکرد و پیشنهادهای مجاهدین را دولت من دون‏ استثنا قبول کرد ولی مجاهدین تمرد کردند بالاخره جنگ شروع شد.

اعتدالی و دموکرات

در تهران دو حزب موجود بود یکی‏ اعتدالی و دیگری دموکرات و رفته‏رفته‏ مخالفت در بین ایشان شدیدتر گردید و گاهی‏ هم مایه تولید مفاسد عظیمه می‏شد و عقلای‏ طرفین هر قدر بذل مجهود کردند و پیروان‏ خود را موعظه و نصیحت کردند که پیروی از مسلکی نباید در چنین موقعی مایه عداوت‏ گردد بگوش کسی فرو نمیرفت و حال بدین‏ منوال بود و هر روز خصومت شدیدتر میشد.

سفر ستارخان سردار ملی

مرحوم ستارخان سردار ملی بی‏میل‏ نبود که سفری به تهران کند و تمایل خود را بمرحوم سردار بهادر که در آن موقع در تبریز بود اظهار داشته بود تا آنکه در اوایل‏ ماه ربیع الاول 1328 از طرف اولیای دولت‏ به تهران دعوت شد.

اما بنده ابدا بهیچ وجه مایل سفر تهران نبودم ولی اسرار مرحوم سردار مرا مجبور کرد که در خدمت ایشان باشم.

روز هفتم ربیع الاول بنده با آقای‏ یگانی تقریبا یکساعت پیش از حرکت سردار ملی و سالار ملی از تبریز حرکت کرده عازم‏ باسمنج شدیم و جنابان سردار ملی و سالار ملی‏ هر کدام با پنجاه سوار چهار است بعدازظهر از شهر حرکت کرده در میان تظاهرات عمومی‏ عازم باسمنج شدند و چون فردای آن روز عید نوروز بود لذا برای برگزاری تشریفات‏ عید آنروز را در باسمنج اقامت کردیم.

روز نهم ربیع الاول با دوستانی که از تبریز برای مشایعت آمده بودند خداحافظی‏ کرده راه تهران پیش گرفتیم.

در عرض راه چه در شهرها و چه در قصبه‏ها حتی در دهکده‏ها نیز آنچه لازمه‏ احترام و اکرام بود از طرف اهالی دریغ‏ نمی‏شد.در زنجان دو یا سه روزی اقامت‏ کردیم و مرحومان شیخ محمد خیابانی و میرزا اسمعیل نوبری نیز احتراما تا زنجان باستقبال‏ آمده بودند ولی از وضع تهران اظهار نگرانی‏ می‏کردند.

در موقع ورود قزوین اشخاص زیادی‏ که تقریبا عده ایشان بالغ بر سیصد نفر میشد باستقبال آمده بودند چند روزی در قزوین‏ ماندیم مهماندار ما مرحوم حاج محمد علی‏ امینی بود.

ورود به تهران

روز جمعه چهارم ربیع الثانی از کرج‏ حرکت کردیم شرح احساسات مردم وعده‏ چادرهای پذیرائی در طرفین راه و طاقهای‏ مجلل و مزین بانواع زینتها و احساسات پر- شور اهالی که باستقبال آمده بودند بیرون‏ از حوصله این صفحه است.نخستین چادری که سردار سالار و در آنجا پیاده شده مورد محبتهای گرم و پذیرائی شایان شدند چادر زردشتیها بود و در باغ مهران آذربایجانیان‏ مقیم تهران بساط پذیرائی را چنانکه شاید و باید پهن کرده بودند و در موقع ورود سردار و سالار به باغ شور و شعفی بر پای شد که بر نادیده شرح آن نتوان بیان کرد تقریبا تا یکساعت فریاد زنده باد از هر طرف بلند شده‏ بود و در آنجا کالسکه سلطنتی را برای سواری‏ سردار و سالار آوردند.

در باغ شاه از طرف دولت چادرهای‏ چند بهمدیگر وصل کرده مجلس باشکوهی‏ برای پذیرائی آماده شده بود و از طرف دولت‏ مرحوم شاهزاده امان اله میرزا مأمور پذیرائی‏ بود.

دو ساعت یا حدود یکساعت و نیم بغروب‏ مانده از اصطبل همایونی دو رأس اسب برای‏ سواری سردار و سالار فرستاده شده بود که‏ شرفیات حضور شوند.در موقع شرفیابی مورد تفقد و عنایات شاهانه شدند حوالی غروب‏ مرخص شده هرکدام از سردار و سالار بمنازل‏ خودشان رفتند.منزل سردار پارک صاحب‏ اختیار و منزل سالار باغ عشرت آباد بود که‏ از طرف دولت معین شده بود.آنروز در تهران‏ شور و شعف عجیبی بود که پیران سالخورده‏ می‏گفتند که چنین استقبال تا امروز از هیچ‏ پادشاهی نشده است.

سردار و سالار تا یکماه مهمان دولت‏ بودند و تمامت مخارج سردار و سالار و کمان‏ ایشان را دولت عهده‏دار بود.

روزهای پذیرائی

تا سه روز که روزهای پذیرائی بود از طلیعه آفتاب تا یکی دو ساعت از شب گذشته‏ مردم تهران از وضیع و شریف و اعیان و کسبه‏ حتی در اوقات صرف ناهار نیز طالار پذیرائی‏ پر از جمعیت بود و سردار و سالار هرکس‏ در منزل خود بپذیرائی مشغول بودند.

سردار و سالار در مجلس شورای ملی

روز دوشنبه هفتم ربیع الثانی حسب المقرر سردار و سالار بمجلس شورای ملی رفتند در تالار آئینه از طرف هیئت رئیسه و نمایندگان‏ پذیرائی که در حضور مقامشان بود بعمل‏ آمد و مرحوم نوبری لایحهء تشکری از طرف‏ سردار و سالار و رئیس مجلس نیز جوابی مبنی‏ بر عظمت خدمات سردار و سالار و سایر مجاهدین‏ داده و خدمات ایشانرا تقدیر کرد و بر هر یک از سردار و سالار لوحه نقره زرکوبی که‏ متضمن تمجید خدمات ایشان بود از طرف‏ مجلس اعطا شد.

مجالس میهمانی

نخستین میهمانی که از طرف مرحوم‏ عضدالملک قاجار بود که بنده تنها در این‏ میهمانی حاضر شدم و بعد در هیچکدام از مجالس مهمانی حاضر نشدم تا یکماه سردار و سالار و سواران و کسانش معین گردید.سردار به‏ پارک اتابک که در اختیار ارباب جمشید بود نقل مکان کرد ولی سالار در همان باغ عشرت‏ آباد باقی ماند.